

بسم الله الرحمن الرحيم

قاعده شرعی: علت از لحاظ وجود و عدم وجود با معلول گردش می کند



(ترجمه)

به رفیق احمد ابوجعفر!

پرسش:

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

الله سبحانه وتعالی بر تلاش‌های شما خیر و برکت بیندازد و شما را پاداش خیر دهد.

شیخ بزرگوار! می‌خواهم پیرامون قاعده شرعی "علت با معلول وجوداً و عدماً دوران می‌کند" سوالی داشته باشم؛ سؤال چنین است: از رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد تبادله و فروش خرما می‌تر با خرما خشک سؤال شد؛ فرمودند آیا خرما زمانی که خشک شود، وزنش کم نمی‌شود؟ گفتند: بلی. پس گفت: نه خیر، در این صورت جواز ندارد. اکنون اگر مقدار کمی و تنقیص را بدانیم و عوضش را بپردازیم، آیا بیع درست می‌شود؟ به عبارت دیگر، هرگاه وزن خرما می‌تر یک کیلو باشد و زمانی که خشک شود، 900 گرام وزنش باقی بماند، پس آیا جائز است خرما 900 گرام را به یک کیلو خرما خشک بفروشیم؟ و هرگاه پاسخ نه باشد؛ پس چی فائده است که گوئیم، علت "کم شدن" است؟

پاسخ:

وعلیکم السلام ورحمة الله و برکاته!

شما در سؤال خویش اشاره به مسئله‌ای دارید که در جزء سوم کتاب شخصیه اسلامی در مورد علت اشاره شده است. برخی از متون کتاب شخصیه را که به سؤال شما ارتباط دارد، نقل می‌کنم: «اما علتی که دلالتاً بر آن دلیل اشاره داشته باشد، این بخش را تنبیه و اشاره گویند و آن دو قسم است. اول: این که حکم بر توصیفی قابل مفهوم استوار باشد. ... دوم: این که علت همراه با مدلول لفظاً از لحاظ وضع همراه باشد، نه این که لفظ به وضع علت خود اشاره داشته باشد و آن پنج نوع است که در اینجا تنها موارد مرتبط به موضوع را نقل می‌کنم:

این که شارع همراهی حکم وصفی را ذکر کند که هرگاه نتوانیم بدان علت جوی نماییم، هیچ فائده‌ای ندارد که جایگاه شارع از این کار منزه است و نصوص شرعی عادتاً هرآنچه را ذکر می‌کند، اعتبار شرعی دارد و ازین جهت، این وصف علت می‌باشد و نص بدان تعلیل می‌گردد؛ مثال: این که هرگاه کلام جواب سؤالی باشد، برابر است که وصف در محل سؤال باشد و یا در بیان حکم از محل سؤال به شبیه محل سؤال عدول نماید؛ چنانچه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است:

«أَنَّهُ سئلَ عَنْ جَوَازِ بَيْعِ الرُّطْبِ بِالتَّمْرِ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هَلْ يَنْفَعُ الرُّطْبُ إِذَا يَبِسَ؟ فَقَالُوا: نَعَمْ، فَقَالَ: فَلَا إِذْنَ»

(اخرجه الدار قطنی)

ترجمه: از وی (رسول الله صلی الله علیه وسلم) در حکم جواز مبادله خرما با خشک سؤال شد، پس رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: آیا خرما می‌تواند تازه زمانی که خشک شود، کم نمی‌شود؟ گفتند: بلی. پس گفت: این بیع درست نیست.

پس همراهی حکم با وصف "نقصان" در جواب آن‌ها مبنی بر این که خرما می‌تواند تازه زمانی خشک شود، کم می‌زند، امکان ندارد عبث ذکر شده باشد، بلکه در آن لزوماً فائده هم وجود دارد.

همراهی جواب رسول الله صلی الله علیه وسلم در بیع خرما با حرف "فا" در قولش "فلا إذن" ساختار تعلیل را واضح می‌سازد و اشاره بدان دارد که نقصان علتی برای امتناع فروش خرما می‌باشد و از جمله ترتیب آن است که حکم بالای وصف به حرف "فا" با حرف "إذن" همراه گردیده است. درین مثال وصفی که ذکر شده است، واقعاً در محل سؤال قرار گرفته است. مثال این که وصف در غیرمحل سؤال قرار گیرد، حالتی است که از بیان حکم به حکم شبیه آن که در محل سؤال قرار گیرد، عدول شود. چنانچه از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است، زمانی که دختر خثعمیه از وی رسول الله صلی الله علیه وسلم پرسید: ای رسول الله صلی الله علیه وسلم، پدرم را مرگ فراگرفت و بالای آن ادای حج فرض بود، از طرف وی حج کنم، آیا پذیرفته خواهد شد؟ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«أرأيت لو كان على أبيك دينٌ أكننتَ قاضيتَه؟ قالت: نعم. قال: فدینُ الله أحقُّ بالقضاء»

ترجمه: هرگاه بالای پدرت قرض باشد و از طرف وی اداء گردد، آیا اداء نمی‌شود؟ گفت: بلی، می‌شود. باز فرمودند: پس قرض الله سبحانه و تعالی اولی تر است تا اداء گردد.

درین حدیث ختمیه از حج سؤال کرد و رسول الله صلی الله علیه وسلم قرض بنی آدم را ذکر کرده و برای آنچه سؤال شده بود، نظیر و ماندنی بیان کرد؛ نه این که به نفس سؤال جواب داده باشد؛ ولی این حکم را متصلاً با جواب سؤال بیان نمود. درینجا همراهی حکم وصف دین را بیان نمود و امکان ندارد که بیهوده ذکر شود و حتماً فائده‌ای دارد. یادآوری رسول الله صلی الله علیه وسلم وصف را همراه با ترتیب حکم دلالت به علت دارد و اگر چنین نباشد، ذکر آن عبث و بیهوده می‌باشد.

چنانچه مشاهده گردید، متن مذکور پاسخ شما را در خود جا داده است: هرگاه جواب چنین باشد که بیع در آن صورت نادرست است، پس چه فائده دارد که بگوییم علت همان نقصان است؟... متن چنین بیان کرده که خرمای تازه زمانی که خشک شود، چی فائده دارد؟ در متن آمده است: «همراهی حکم با وصف نقصان، در جواب سؤال شان مبنی بر این که آیا خرما زمانی که خشک شود، کم می‌گردد، بیهوده نبوده، بلکه حتماً فائده‌ای دارد. همراهی جواب رسول الله صلی الله علیه وسلم در بیع خرما با حرف "فا" در قولش "فلا إذن" ساختار تعلیل را واضح می‌سازد و اشاره بدان دارد که نقصان علتی است برای امتناع فروش خرمای تازه با خشک، و از جمله ترتیب آن است که حکم بالای وصف به حرف "فا" با حرف "إذن" همراه گردیده است، و درین مثال وصفی که ذکر شده است، واقعاً در محل سؤال قرار گرفته است؛ پس فائده درینجا وجود علت است؛ یعنی ذکر نقصان بیان علتی است که فروش خرمای تازه را با خشک ممتنع می‌سازد. ازین جهت درست نیست که بگوئید: چه فائده دارد که علت نقصان باشد؛ این از جمله سؤالات مغالطه است، چنانچه در بحث ذکر گردید، همراهی حکم با وصف نقصان فائده آن این است که نقصان علت امتناع فروش خرمای خشک با خرمای تر است؛ هرگاه چنین نمی‌بود، ذکر نقصان فائده‌ای نمی‌داشت. ... فائده آن ذکر علت امتناع بیع بوده و رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد فروش خرمای تر با خرمای خشک سؤال شد و در مقابل رسول الله صلی الله علیه وسلم از سائل پرسید: آیا خرمای تر زمانی که خشک شود، کم نمی‌زند؟ زمانی که گفته شد، بلی. پس دوباره رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: نه خیر این‌گونه بیع جواز ندارد.

اما چرا درست نیست که عوض و بدل نقصان را بدهیم، چنانچه در بخش دیگر سؤال شما آمده است: «هرگاه مقدار نقصان و کمی را دانستیم و بدل نقصان را بدهیم، آیا بیع درست است؟» به عبارت دیگر، یک رطل خرمای تازه را به یک رطل خرمای خشک خریداری کردی و سپس آنچه تفاوت وزن بین خرمای تر و خرمای خشک وجود داشت، رفع گردید؛ مثلاً خرمای خشک یک رطل باشد و زمانی که خشک شود؛ به اندازه 100 گرام آن کم آید، ولی در معامله شما یک رطل خرمای خشک بدهید و جانب مقابل یک رطل خرمای تر بدهد و برعلاوه، یک رطل مقدار 100 گرام خرمای دیگر بدهد و عوض کم بودی را تکمیل نماید؛ پس این نوع معامله در اجناس ربوی جائز نمی‌باشد؛ چون هرگاه اجناس ربوی را جنس به جنس تبدیل کنید، پس جائز نیست که در مقابل فرق کمی و صفتی و یا در صورت اختلاف خصائص فائده گرفته شود؛ پس در اصناف ربوی این‌گونه معامله جائز نمی‌باشد؛ بلکه خرمای خشک با پول فروخته می‌شود و به آن پول خرمای تازه خریداری گردد؛ دلیل آن حدیثی است که بخاری در صحیح خود از یحیی روایت کرده و گفته است: از عقبه بن عبدغافر و او از ابوسعید خدری رضی الله عنه شنیده است که گفت:

«جَاءَ بِلَالٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِتَمْرٍ بَرْنِيٍّ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ مِنْ أَيْنَ هَذَا قَالَ بِلَالٌ كَانَ عِنْدَنَا تَمْرٌ رَدِيٌّ فَبِعْتُ مِنْهُ صَاعَيْنِ بِصَاعٍ لِنُطْعِمَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عِنْدَ ذَلِكَ أَوْهَ أَوْهَ عَيْنُ الرَّبَِّا عَيْنُ الرَّبَِّا لَا تَفْعَلْ وَلَكِنْ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَشْتَرِيَ فَبِعِ التَّمْرَ بِبَيْعِ آخِرِ ثُمَّ اشْتَرِهِ»

(و اخرجه مسلم كذلك)

ترجمه: از ابوسعید خدری روایت است که گفت: بلال، خرمای برنی (یک نوع خرمای بسیار مرغوب) خدمت نبی اکرم صلی الله علیه وسلم آورد، آن حضرت صلی الله علیه وسلم خطاب به او فرمود: اینها را از کجا آورده‌ای؟ بلال گفت: نزد ما خرمای نامرغوب بود، دو صاع از آنها را در برابر یک صاع فروختم تا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از آنها بخورد. اینجا بود که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: آه، آه! این معامله عین ربا است، عین ربا است؛ چنین نکن؛ اما هرگاه خواستی خرمای خوب خریداری کنی، خرماهای خودت را بفروش و از پول آن خرمای خوب خریداری کن.

خلاصه و نتیجه سخن این که فائده ذکر نقصان برای بیان علت امتناع فروش خرمای تر با خرمای خشک است؛ چون خرمای تر زمانی که خشک شود کم می زند. ... و اما عدم جواز دفع فرق و یا آنچه ارش (عوض عیب) نامیده می شود، در اجناس ربوی اخذ بدل فرق جائز نمی باشد، آرزو دارم که این بسنده باشد. الله داناترین و حکیم ترین است.

برادر شما عطاء ابن خلیل ابورشته

6 جمادی الآخر 1439 هـ.ق

22 مارچ 2018 م